



توراه اور • پاراشاها ویحی • مامار 1

יהודה אתה יודוך אחיך וגו'

«یهودا (یهודה)، برادرانت تو را خواهند ستود»



تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayechi/1

1 **יהודה אתה יודוך אחיך וגו'.** **הנה יהודה נקרא ע"ש [על שם] הפעם אודה והוא בחי' הודי' שבכללות**
נש"י [נשמות ישראל] מודים אנחנו לך ואנחנו כורעים ומשתחיים ומודים.

«یهودا (یهודה)، تو - برادرانت به تو اذعان خواهند کرد»، و غیره. یهودا به سبب «این بار سپاس خواهم گفت» نامیده شده است؛ و این همان کیفیتِ سپاس‌گزاری (הודיה, hoda'ah) است که در مجموعِ جان‌های اسرائیل وجود دارد: «تو را سپاس می‌گوییم» و «زانو می‌زنیم، سجده می‌کنیم و سپاس می‌گوییم».

אלא שלמטה לפי שהוא תחת הזמן נקי הפעם אודה שלא כל העתים שוות. אבל למעלה במקור חוצב
נשמותיהם הוא למעלה מן הזמן ושם נקי יהודה כי היו"ד מורה על ההוה כמו ככה יעשה איוב.

تنها در پایین، چون در معرضِ زمان است، «این بار» سپاس‌گزاری نامیده می‌شود، زیرا همهٔ زمان‌ها یکسان نیستند. اما در بالا، در سرچشمه‌ای که جان‌هایشان از آن تراشیده شده‌اند، آن سرچشمه فراتر از زمان است و آنجا «یهودا» نامیده می‌شود؛ زیرا حرفِ یود (יו"ד, yud) بر زمانِ حال دلالت دارد، چنان‌که در «ایوب (ایوب) چنین می‌کرد» آمده است.

ויהי' [ויהיה] פי' המלה כמו יודה בתוס' [בתוספת] ה' יהודה ((ובנחמ"י [ובנחמיה] י"א) נכתב יהודה בסגול תחת
הדל"ת)

و معنای واژه مانند yodeh [«او سپاس می‌گوید»] خواهد بود، با افزوده‌شدنِ یک هی: یهودا. (و در **נחמיה 11**، نام یهودا با **סגול (סגול, segol)** زیرِ حرفِ دالت نوشته شده است.)

וענין הפעם אודה היינו אחר לידה והתגלות בחי' ראובן שמעון ולוי שהם הם הגורמים לבחי' הודיה זו.
و معنای «این بار سپاس خواهم گفت» این است که [این سپاس‌گزاری] پس از تولد و آشکارشدنِ مراتبِ رؤوبن (ראובן)، **שמعون (שמعون) و لاوی (لוי)** پدید می‌آید؛ زیرا همین‌ها سببِ پدیدآمدنِ این کیفیتِ سپاس‌گزاری هستند.

וזהו יודוך אחיך. וביאור ענין זה הנה ראובן הוא ע"ש [על שם] ראו בן בחי' راיה وبع"י راיה זו היא
הגורמת המשכת בחי' האהבה.

و این است [معنای] «برادرانت به تو اذعان خواهند کرد». شرحِ این موضوع چنین است: رؤوبن به سببِ «بنگر، پسری را» (ראו **בן, re'u ben**) نامیده شده است؛ این به مرتبهٔ دیدن (ראיה, re'iyah) اشاره دارد، و همین مرتبهٔ دیدن سببِ افاضه‌شدنِ مرتبهٔ **عشق** می‌شود.

כמ"ש פני אריה אל הימין אריה אותיות ראה וכן היה דגל מחנה ראובן תימנה כי ענין ראה הוא ענין התקרבות דרך חיבה כמ"ש כבכורה בתאנה בראשיתה ראיתי אבותיכם כו'.

چنانکه نوشته شده است: «چهره شیر در سمت راست»؛ واژه aryeh (آریه، aryeh؛ شیر) حروف واژه re'iyah (ראה، re'iyah؛ دیدن) را دارد. و به همین ترتیب، پرچم اردوگاه رؤوبن در جنوب بود. زیرا دیدن به معنای نزدیک شدن از سر مهر است، چنانکه نوشته شده است: «چون انجیر نخست رسیده بر درخت انجیر در نخستین فصل رسیدنش، پدرانان را دیدم»، و غیره.

2 وזהו כי ראה ה' וגו'. כי עתה יאהבני אישי וגו'.

و این [معنای] «زیرا ه' دیده است» و الی آخر، «زیرا اکنون شوهرم مرا دوست خواهد داشت» و الی آخر است.

וענין המשכה זו בכנ"י [בכנסת ישראל] הוא בחי' לאסתכלא ביקרא דמלכא לעורר את האהבה עד שתחפץ לדבקה בו ית' ועד"ז נתקנו פסוד"ז [פסוקי דזמרה] ויוצר אור קודם ק"ש [קריאת שמע] כדי שיבוא לקיום ואהבת בק"ש [בקריאת שמע].

و این افزایه در جماعت اسرائیل (کنסת ישראל، Knesses Yisrael)، مرتبه «نگریستن به جلال پادشاه» است تا عشق را برانگیزد، تا آنجا که عشق مشتاق چسبیدن به او، متبارک باد، شود. و به همین منظور، آیات ستایش (پسوکي دזמרה، Pesukei deZimra) و [برکت] یוצر اور (Yotzer Or) پیش از شماع (کریات שמع، Shema) مقرر شدند، تا شخص به تحقق «و دوست بدار» در شماع برسد.

כי עיקר הכוונה בספור שבחו של מקום הוא כי לא די בידיעה לבדה לפי שהיא בחי' העלם ואפי' [ואפילו] גנבא אפום מחתרता וכו'

زیرا مقصود اصلی از برشمردن ستایش آن که همه جا حاضر است این است که دانستن به تنهایی کافی نیست، چون مرتبه ای از پنهانی است؛ و حتی «دزدی بر دهانه نقب»، و الی آخر.

ולא יבוא לקיום ואהבת כ"א כשיצא מהעלם אל הגלוי ומבחי' ידיעה לבחי' ראה ממש שהוא בחי' גילוי לאסתכלא דוקא והיינו ע"י שירבה לספר בשבחיו יתברך ולהעמיק דעתו איך שמלכותך ملכות כל עולמים.

و شخص به تحقق «و دوست بدار» نمی رسد، مگر آن که از پنهانی به آشکاری بیرون آید، و از مرتبه شناخت به مرتبه دیدن واقعی برسد؛ این مرتبه آشکاری است، یعنی به خصوص «نگریستن». و این از راه آن است که درباره ستایش های او، متبارک باد، به تفصیل سخن بگوید و اندیشه اش را [در] این که «فرمانروایی تو، فرمانروایی همه عوالم است» ژرف سازد:

אלף אלפים ורבו רבבן כו' והוא לבדו ית' הוא יחיד ומיוחד כמו קודם שנברא העולם. כמאמר יחיד חי העולמים מלך כו'.

«هزار هزار و ده هزاران ده هزاران»، و الی آخر؛ و او، متبارک باد، به تنهایی یگانه و یکتا است، درست همان گونه که پیش از آفریده شدن جهان بود؛ چنان که در این عبارت آمده است: «یگانه، حیاتِ عوالم، پادشاه»، و الی آخر.

3 وامتות שם יחיד הוא שהוא לבדו הוא וענין אחד הוא שנמשך בחי' א' בחי'ת וד' שהם ז' רקיעים והארץ כו'

معنای حقیقی نام «یگانه» (יחיד, yachid) این است که تنها او هستی دارد. و معنای «یکی» (אחד, echad) آن است که مرتبه حرف الف (א, aleph) به حرف جت (ח, ches) و حرف دالت (ד, dalet) سرایت می کند؛ جت و دالت همان هفت آسمان و زمین و غیره اند،

שיהיו בטלים ליחודו ית' שהחיות של שמים וארץ עולה ונכלל במקורו וכך עולה אפילו החיות של הרוחניות כמ"ש לך ה' הגדולה וכו' (ועיין מזה על פסוק וארא אל אברהם)

تا در برابر یگانگی او، متبارک باد، وجودی مستقل نداشته باشند: نیروی حیات (chayus, حیوت) آسمان و زمین بالا می رود و در سرچشمه خود مستغرق می شود؛ و به همین ترتیب، حتی نیروی حیاتِ عوالم روحانی نیز بالا می رود، چنان که نوشته شده است: «بزرگی از آن توست، ای ه'...» (و درباره این مطلب، ذیل آیه «و به ابراهیم (آברהם) ظاهر شدم» بنگرید).

ורק בשכמל"ו [ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד] שלהיות עולמות נפרדים הם רק מבחי' מלכותו ית'.

و تنها در «نام جلال پادشاهی او تا ابدالآباد مبارک باد» [گفته می شود] که وجودِ عوالم جداگانه تنها از مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus) او، متبارک باد، سرچشمه می گیرد.

וכשיאריך בענין זה בעומק בינתו בבחי' גילוי במוחו ולא בידיעה לבדה אזי מוליד מזה אהבה בהתגלות לבו

و هنگامی که او با ژرفای فهم خویش، به صورتی آشکار در ذهنش و نه صرفاً در حد دانستن، به تفصیل در این موضوع تأمل کند، از این راه عشقی آشکار در دلش پدید می آورد،

להיות נכספה וגם כלתה נפשי וגו' ויבא לקיום ואהבת את ה' אלקיך ממש דהיינו לדבקה בו בא"ס ב"ה
ממש וכמ"ש מי לי בשמים כו':

تا «جانم مشتاق است و حتی از اشتیاق می‌گدازد»، و غیره؛ و به تحقق واقعی «و ה' אלקיך را دوست بدار» برسد – یعنی به او، به خود بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، بچسبد؛ چنان‌که نوشته شده است: «در آسمان چه کسی را دارم»، و غیره.

4 **והנה כתיב בכל לבבך ואמרו רז"ל [רבوتינו זכרונם לברכה] בשני יצריך דהיינו שתהא האהבה בבחי' בעל**

תשובה

اکنون، نوشته شده است: «با تمام دل خود»؛ و حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، گفتند: «با هر دو گرایش خود». یعنی عشق باید در مرتبه بازگشته (בעל תשובה, baal teshuvah) باشد.

כי התשובה אינו דוקא במי שיש בידו עבירות ח"ו [חס ושלום]. אלא אפי' [אפילו] בכל אדם כי ענין תשובה
הוא להשיב את הנשמה למקורה ושרשה שהיתה כלולה במאצילה ב"ה וצורה בצרור החיים את ה'
ממש

زیرا بازگشت (تשובه, teshuvah) فقط مخصوص کسی نیست که گناہانی در دست دارد، حاشا؛ بلکه [این حکم جاری است] حتی درباره هر انسانی. زیرا معنای بازگشت این است که روح را به سرچشمه و ریشه‌اش بازگردانند؛ همان‌جا که در مبدأ فیضان خود، متبارک باد، مندرج بود و «در پیوند حیات با خود ه' بسته بود».

وירדה ממקום כבודה ונתלבשה בעוה"ז הגשמי שאפילו כל השגות הרוחניים שמשגת בהתלבשותה
בתוך הגוף הם נופלים תחת בחינת זמן ומקום

و روح از جایگاه جلال خود فرود آمد و در این جهان جسمانی پوشیده شد؛ از این‌رو حتی همه ادراکات روحانی‌ای که در حالی که درون بدن پوشیده است به دست می‌آورد، در مقوله زمان و مکان قرار می‌گیرند.

וצריך להשיבה ע"י ויצעקו אל ה' בצר להם כי צר לו המקום שהוא בחי' מצר וגבול ועל זה נאמר אשר
הוצאתי אתכם מארץ מצרים מבחי' מצר כו'

و باید آن را از راه «در تنگی (צר, tzar) خود به ه' فریاد برآوردند» بازگردانند؛ زیرا «جای برای او تنگ (צר) است»؛ این همان مرتبه تنگنا (מצר, meitzar) و محدودیت است. و درباره این گفته شده است: «که شما را از سرزمین مصر (מצרים, Mitzrayim) بیرون آوردم» – از مرتبه تنگنا و غیره.

שע"י המרירות אשר יהיה לו על ההיפוך תגדל האהבה לה' ביתר שאת להתכלל באוא"ס [באור אין סוף]
ב"ה כיתרון האור הבא מן החשך.

זیرا از رهگذر تلخی‌ای که به سبب [وضعیت] مخالف احساس خواهد کرد، عشق به ه' با نیرویی فزون‌تر رشد می‌کند تا در نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، مستغرق شود؛ همچون برتری نوری که از دل تاریکی پدید می‌آید.

5 וע"ז אמרז"ל [آمری ربوتینو זכרונם לברכה] **במקום שבע"ת** [שבועי תשובה] **כו'. וכדאי' [וכדאיתא] בזהר דמשכן**
ליה בחילא יתיר להיות גילוי اور א"ס ב"ה ממש על נפשו עד שגם חיות הגוף ונפש הבהמית וכחותיהם
יתהפכו וישבו אל ה' ואתהפכא חשוכא לנהורא.

و در این باره حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفتند: «در جایی که کسانی که بازمی‌گردند (בעלי תשובה، baalei teshuvah) می‌ایستند»، و غیره. و چنان‌که در زوهار (Zohar) آمده است، «آن را با نیرویی فزون‌تر فرومی‌کشند»؛ تا نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که متبارک است، خود بر نفس او آشکار شود؛ تا آنجا که حتی نیروی حیات بدن و نفس حیوانی (نפש הבהמית، Nefesh HaBahamis) و قوای آن‌ها دگرگون شوند و به سوی ه' بازگردند، و «تاریکی به نور دگرگون شود».

6 וזהו כי رאה ה' בעניי פי' שע"י עניי ומרודי הוא מרירות הנפש שבאתעדל"ת [שבאתערותא דלתתא] **نמשך**
להיות אתעדל"ע [אתערותא دلעילא] **וכמים הפנים כו'**

و این [معناي] «زیرا نام چهارحرفی (ه', Havayah) رنج مرا دیده است» است. توضیح آن چنین است: از راه «رنج و سرگردانی من» - که تلخی جان است - یعنی از راه برانگیختگی از پایین (אתערותא دלתתא، isarusa dilesata)، برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא، isarusa dileila) فرا می‌رسد؛ و «چنان‌که در آب، چهره [پاسخ] چهره را می‌دهد»، و الی آخر:

יתרון האור בבחי' رایה מלמעלמ"ט [מלמעלה למטה] **כי יאהבני בבחי' אישי דהיינו כמ"ש ביום ההוא**
תקראי לי אישי.

برتری نور در مرتبه دیدن از بالا به پایین است: «زیرا او مرا دوست خواهد داشت» در مرتبه «شوهرم» (ایשי، Ishi)؛ یعنی چنان‌که نوشته شده است: «در آن روز مرا «شوهرم» (ایשי) خواهی خواند.»

ופי' אישי اش שלי ממש והיינו התשוקה שממטה למעלה בחי' ואל אישך תשוקתך שהוא הוא האש
שלי תהיה בבחי' התכללות באוא"ס [بأور אין سوف] **ب"ה مמש עד שהוא הוא יהיה אישי اش שלי مמש**

و معنای **ایشی** در حقیقت «آتش من» (اش שלי، eish sheli) است. یعنی اشتیاق از پایین به بالا، مرتبه «و اشتیاق به سوی شوهرت» (ایشך، ishech) - که خود «آتش من» است - باید به گونه‌ای در نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که بر او برکت باد، اندراج یابد؛ تا خود او **ایشی**، در حقیقت «آتش من»، شود.

כי וימינו תחבקני בבחי' חבוק והתכללות להיות גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממש על נפשי בתשוקה זו:

זیرا «و دست راست او مرا در آغوش می‌گیرد»؛ به‌گونه درآغوش گرفتن و اندراج، تا نور بی‌پایان خود او، که بر او برکت باد، بر جانم، از راه این اشتیاق، آشکار شود.

7 והנה זהו ענין ראובן שהוא ענין בחי' פ' ראשונה שבק"ש [שבקריאת שמע] שהוא בחי' רצוא. ופ' שניה

שבק"ש [שבקריאת שמע] היא בחי' שמעון והיה אם שמוע תשמעו שהיא בחי' שוב

اکنون، این معنای روبین (راوبن) است؛ یعنی معنای بند نخست شِما (שמע, Shema)، که مرتبه شتافتن به پیش (רצוא, ratzo) است. و بند دوم شِما مرتبه שמعون (שמעון) است – «و چنین خواهد شد که اگر به‌راستی گوش فرا دهید (شموع תשמעו, shamo'a tishme'u)» – که مرتبه بازگشت (שוב, shov) است.

כי رایה היא מקרוב והיינו בחינת אהבה שמחמת הקירוב. אבל שמיעה היא מרחוק והיא הגورמת בחינת יראה וכמ"ש ה' שמעתי שמעך יראתי כי היראה היא באה מחמת בחי' הריחוק הנמשך מבחי' שמאל דוחה.

زیرا دیدن از نزدیک است، و این همان مرتبه عشقی است که از نزدیکی برمی‌خیزد. اما شنیدن از دور است و سبب پدید آمدن مرتبه هیبت می‌شود؛ چنان‌که نوشته شده است: «ה'، خبر تو را شنیدم؛ هراسان شدم.» زیرا هیبت از مرتبه فاصله‌ای می‌آید که از جنبه «چپ می‌راند» امتداد می‌یابد.

כי לפי שהוא דוחה ומשפיל עצמו לומר לנפשו מי הוא אשר ערב לבו לגשת کو' אזי תפול עליו יראה
ופחד בלבו

زیرا چون خود را پس می‌راند و فروتن می‌سازد و به نفس خویش می‌گوید: «کیست آن‌که دلش جرئت کند نزدیک شود؟» و مانند آن، آن‌گاه هیبت و هراس در دلش فرود می‌آید.

وكم"ש וירא העם וינועו ויעמדו מרחוק שבשביל וינועו עליהם אימה ופחד ולפיכך ויעמדו
מרחוק בבחי' שמיעה וכענין אם רץ לבך שוב לאחד.

چنان‌که نوشته شده است: «مردم دیدند و لرزیدند و از دور ایستادند»؛ به سبب «لرزیدند» – زیرا هراس و بیم بر آنان فرود آمد – از این رو «از دور ایستادند»، در مرتبه شنیدن. و این همان مضمون «اگر دلت می‌دود، به‌سوی یگانه بازگرد» است.

8 וזהו ענין פ' שניה שבק"ש [שבקריאת שמע] שהוא בחי' יראה כמ"ש השמרו לכם פן יפתה כו'. וז"ש [וזהו

שכתוב] **כי שמע ה' כי שנאה אנכי וכענין נבזה בעיניו נמאס**

و این است معنای پاراگراف دوم شماع (שמע, Shema)، که مرتبه هیبت است؛ چنانکه نوشته شده است: «مراقب باشید، مبدا [دل شما] فریفته شود»، و جز اینها. و این است آنچه نوشته شده: «زیرا ه' شنید که من منفورم»؛ و نیز مانند معنای «در نظر خویش خوار است و مردود».

דהיינו שע"י אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] מה שנחשב בעיניו לשנאה ע"י שמאל דוחה נמשך להיות

אתעדל"ע [אתערותא دلעילא] כי שמע ה' בחי' שמיעה מרחוק כדי להמשיך בחי' יראה מלמעלה

یعنی، از راه برانگیختگی از پایین (אתערותא دלתתא, isarusa dilesata) – از اینکه شخص، از راه «دست چپ دور می‌راند»، در نظر خویش «منفور» شمرده می‌شود – برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא, isarusa dileila) پدید می‌آید: «زیرا ه' شنید»؛ مرتبه شنیدن از دور، تا مرتبه هیبت از بالا به پایین کشیده شود.

(وبזה יובן ענין שמע והא"ש [והאתי שפיר] שהן חו"ג [חסד וגבורה] והשמות מ"ב וע"ב אלא שהוא התכללות

כי שמע חסד אהבה راوبן וכלול גם כן מגבורה בחי' ראה בעניי הנ"ל וכן והא"ש [והאתי שפיר] יראה כלול מאהבה) (עיין ביאור זה ע"פ אלה מסעי וע"פ ויחי).

(و با این، معنای شماع (שמע, Shema) و وهياه (והיה, VeHayah) روشن می‌شود؛ این دو، مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah)، و نام‌های م"ב (Mem-Beis, ۴۲) و ע"ב (Ayin-Beis, ۷۲) هستند؛ با این تفاوت که در یکدیگر شمول دارند: زیرا شماع مهر، عشق و روبن (راوبن) است، و نیز قید و سخت‌گیری را در خود دارد، یعنی مرتبه «رنج مرا دید» که پیش‌تر آمده است؛ و به همین ترتیب، وهياه، یعنی هیبت، عشق را در خود دارد. (شرح این مطلب را ذیل [آیه] «اینها سفرها هستند» (ایله ماسعی, Eileh Masei) و ذیل [آیه] «و او زیست» (وایخی, ויחי, Vayechi) ببینید.)

והנה אחר ק"ש [קריאת שמע] اومרים אמת ויצيب וכו' ونחמד ونעים ونورا וכו' הדבר הזה עלינו והיינו בחי'

לוי ילוה אישי אלי.

اکنون، پس از شماع، می‌گوییم: «راست و استوار»، و جز اینها؛ «و محبوب و دلپذیر و هراس‌انگیز»، و جز اینها؛ «این سخن بر ماست»؛ و این مرتبه لاوی (لוי) است: «شوهرم به من خواهد پیوست» (یلوה, yilaveh).

והוא ענין ימינא ושמאלא ובינייהו כלה כי שמאלו תחת לראשי בחי' שמאל דוחה הוא שגורמת להיות נשיאות ראש וכו' וימינו תחבקני ימין מקרבת להתכלל כו'.

و این معنای «راست و چپ و عروس در میان آن دو» است. زیرا «دست چپش زیر سر من است» - یعنی مرتبة «دست چپ دور می‌راند» - همان چیزی است که سر برافراشتن را به‌بار می‌آورد، و جز اینها؛ «و دست راستش مرا در آغوش می‌گیرد» - دست راست نزدیک می‌آورد تا [در آن] مندرج شود، و جز اینها.

9 ובחי' ילוח אישי היינו מה שאומרים באמוי"צ [באמת ויצוב] הדבר הזה היא התורה ששרשה מאד נעלה אלא שנתלבשה בדברים גשמיים שלכן נמשלה התורה למים שיורדים ממקום גבוה וכו'.

و مرتبة «شوهرم به من خواهد پیوست» همین است که در عبارت «راست و استوار» (אמוי"צ, Emes VeYatziv) می‌گوییم: «این سخن»؛ یعنی تورات، که ریشه‌اش بسیار بلندمرتبه است، اما در امور جسمانی پوشیده شده است؛ ازاین‌رو تورات به آب تشبیه شده که از جایگاهی بلند فرود می‌آید و جز این‌ها.

וזאת ישיב אל לבו אמת הוא שאין אני ראוי מצד עצמי לעלות ולהתכלל באור ה' ולהשיב את הנפש ממטה למעלה לייחודה במאצילה ב"ה כי מי יעלה בהר ה' כו'

و باید این را به دل بسپارد: حقیقت این است که من به‌سبب خودم شایسته نیستم که بالا روم و در نور ه' جذب شوم، و نفس را از پایین به بالا بازگردانم تا آن را با مبدأ افاضه‌اش، که متبارک است، یگانه سازم؛ زیرا «چه کسی بر کوه ه' بالا می‌رود؟» و جز این‌ها.

אבל מ"מ הרי אא"ס [אור אין סוף] ב"ה מצד עצמו ממילא ומאיליו נמשך גם למטה ששורה ומתגלה בתורה

بالین‌همه، بنگر: نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، از جانب ذات خویش، خودبه‌خود و به‌اقتضای خویش، به پایین نیز فرود می‌آید و کشیده می‌شود، تا در تورات جای گیرد و آشکار شود.

והרי מתגלה יחוד זה העליון למטה כמו למעלה ואי לזאת ע"י עסק התורה יכול להמשיך אא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממש למטה על נפשו

و بدین‌سان این یگانگی برین در پایین، همانند بالا، آشکار می‌شود؛ ازاین‌رو، از راه اشتغال به تورات، او می‌تواند خود اור אין סוף را به پایین و بر نفس خویش فرود آورد.

**וזהו אם רץ לבך שוב לאחד שגם למטה בבחי' שוב נמשך בחי' אחד וזהו ילוה אישי אלי שיורד ونמשך
אא"ס [אור אין סוף] ב"ה מלמעלה למטה.**

و این است: «اگر دلت می‌دود، به سوی یگانه بازگرد»؛ یعنی حتی در پایین، در مرتبه «بازگشت»، مرتبه «یگانه» نیز فرود می‌آید. و این است: «شوهرم به من خواهد پیوست»؛ یعنی **اور אין سوف** از بالا به پایین فرود می‌آید و کشیده می‌شود.

**10 وזהו פי' אמוי"צ [אמת ויציב] כו' שמאריכין לאשר ולקיים את הדבר הזה עלינו ועל אבותינו כו' על
הראשונים כו'**

و این است تفسیر «راست و استوار» و جز اینها: اینکه در تأیید و استوارداشتن «این سخن»، «بر ما و بر پدران ما» و جز اینها، «بر پیشینیان [نسل‌ها]» و جز اینها، به تفصیل سخن می‌گوییم؛

**ومמשיכים מלמעלה אמת ויציב ونכון וכו' ونחמד ונעים כו' להיות המשכת اور א"ס ב"ה שורה ומתגלה
באור תורה:**

و از بالا «راست و استوار و پابرجا» و جز اینها، «محبوب و دل‌پذیر» و جز اینها را فرومی‌کشیم، تا امتداد نور بی‌پایان (**اور** **Or Ein Sof**)، که او متبارک است، در نور تورات قرار گیرد و آشکار شود.

**11 אך הנה כל ג' בחי' הנ"ל עדיין הם בבחי' ממכ"ע [ממלא כל עלמין] שהם בחי' המשכות מאא"ס [מאור אין סוף]
ב"ה לבחינת ממכ"ע [ממלא כל עלמין]**

بااین‌همه، هر سه مرتبه‌ای که در بالا یاد شد، هنوز در مرتبه نوری هستند که همه عوالم را پر می‌کند (**مملأ كل علמין**، **memalei kol almin**)، زیرا امتدادهایی از نور بی‌پایان (**اور** **Or Ein Sof**)، **ب"ה**، به مرتبه نوری هستند که همه عوالم را پر می‌کند.

**שבחי' راوبן היא לעורר את האהבה להיות נכספה וגם כלתה כו' ולהיות משתוקק' [משתוקקת] להתכלל
ולהתייחד במאצילה ב"ה مכלל שהיא עדיין אינה כלולה ומיוחדת באא"ס [באור אין سوف] ب"ה הסוכ"ע**

مرتبه روبن این است که عشق را برانگیزد، تا «مشتاق شود و حتی از اشتیاق بگذارد»، و غیره؛ و اشتیاق داشته باشد که در مبدأ فیض خود، **ب"ה**، مستغرق و متحد شود. از این برمی‌آید که هنوز در نور بی‌پایان، **ب"ה**، که همه عوالم را فرا می‌گیرد (**סובב כל علמין**، **sovev kol almin**)، مستغرق و متحد نشده است.

(בשמים ממעל ועל הארץ מתחת הכל בשוה ורוחניות וגשמיות כולא קמיה כלא ממש השיבי) ועד"ז
שאר הבחי' אלא שהן בחי' המשכות להיות ממכ"ע [ממלא כל עלמין] כו'.

(«در آسمان‌های بالا و بر زمین پایین»، همه چیز یکسان است، و روحانی و جسمانی هر دو «در پیشگاه او حقیقتاً هیچ به شمار می‌آیند».) مراتب دیگر نیز چنین‌اند، جز آنکه امتدادهایی هستند تا نوری شوند که همه عوالم را پر می‌کند، و غیره.

אבל בחי' יהודה שהוא בחי' הודאה הוא בחי' בטול והתכללות באא"ס [באור אין סוף] **ב"ה ממש הסוכ"ע**
והן הן בחינות השתחוואות שבתפלת שמ"ע [שמונה עשרה].

اما مرتبة יהודה (יהודה)، که مرتبة اذعان است، مرتبة خودنفي گری (بیטول، bittul) و مستغرق شدن در خود نور بی‌پایان، ب"ה، است؛ همان نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد. اینها همان مراتب خم شدن در دعای شמונה עשרه (شמונה עשרה، Shemoneh Esreh) هستند.

12 ולכן תפילה היא בלחש ובחשאי בבחי' סוכ"ע למעלה מעלה מבחי' השתלשלות שאינה בגדר המשכה
והשפעה כלל כו'

ازاین‌رو، دعا در نجوا و خاموشی است؛ در مرتبة نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סוכב כל עלמין، sovev kol almin)، بسیار بسیار فراتر از مرتبة زنجیره نزول عوالم (השתלשלות، hishtalshelus)؛ مرتبه‌ای که اصلاً در مقوله امتداد و افاضه نیست و غیره.

ואינה עולה בשם אהבה כלל רק בחי' ביטול במציאות ממש לגמרי והיינו בחי' השתפכות אל חיק אביה
ממש להיות כאין ואפס ממש

و این اصلاً به نام «عشق» خوانده نمی‌شود، بلکه تنها مرتبة خودنفي گری (بیטول، bittul) کامل [وجود خویش] است؛ یعنی مرتبه‌ای که [جان] خود را به آغوش خود پدرش می‌ریزد تا واقعاً چون هیچ و ناچیز باشد.

שע"ז מרמז ענין השתחוואה כמו שמשתחוה לפני המלך שמבטל א"ע [את עצמו] **כו'**

و این همان چیزی است که خم شدن به آن اشاره دارد؛ مانند کسی که در برابر پادشاه خم می‌شود و خود را در برابر او به حالت بیטول درمی‌آورد و غیره.

רק שכדי להיות בחי' זו שהוא בחי' יהודה בבחי' אתה דהיינו להיות בגילוי כאילו הוא לנוכח צ"ל יודוך אחיך שצריך להקדים תחילה בחי' ראובן ושמעון ולוי שבהם ועל ידם יומשך גילוי בחי' הודאה זו

اما برای آنکه این مرتبه، که مرتبهٔ یهودا (יהודה, Yehudah) است، در مقام «تو» (אתה, atah) باشد – یعنی آشکار شود، گویی **ה'** روبه‌روی [او] حضور دارد – باید «برادرانت تو را اذعان خواهند کرد»: نخست باید مراتبِ رؤון (ראובן, Reuven)، شیمعون (שמעון, Shimon) و لاوی (לוי, Levi) را [بر آن] مقدم داشت؛ در این مراتب و به‌واسطهٔ آن‌هاست که ظهور این مرتبهٔ اذعان امتداد می‌یابد.

כי בלי קדימת בחי' ראובן שמעון ولוי לא נמשך בחי' יהודה שהוא בחינת ביטול והתכללות כו' בבחי' גילוי אלא בבחי' העלם ומקיף.

زیرا اگر مراتبِ رؤון، شیمعون و لاوی پیش‌تر نیایند، مرتبهٔ یهودا – که مرتبهٔ خودنفی‌گری (بیטول) و درهم‌گنجیدگی و غیره است – به‌صورتِ آشکار امتداد نمی‌یابد، بلکه تنها به‌صورتِ پنهان و فراگیر (مקיף, makif) است.

ולכן א"א להתחיל תפילת ש"ע [שמונה עשרה] בלי קדימת פסוד"ז [פסוקי دזמרה] ויוצר اور וק"ש [וקריאת שמע] כו' (ובמנחה שמתפללין רק תפילת ש"ע [שמונה עשרה] היינו מפני שכבר הקדימו בשחרית ק"ש [קריאת שמע] وبرכותיה. ובערבית צריך לחזור להתחיל ק"ש [קריאת שמע] وبرכותיה קודם התפלה).

ازاین‌رو، نمی‌توان نمازِ شמונה عسره را بی‌آنکه پیش‌تر آیاتِ ستایش (פסוקי دזמרה, Pesukei deZimra)، «آفرینندهٔ نور» (יוצר اور, Yotzer Or) و قرائتِ شِماع (שמע, Shema) را گفت، آغاز کرد و غیره. (در نمازِ عصر (مנחה, Minchah)، که در آن فقط نمازِ شموנה عسره خوانده می‌شود، علت این است که شِماع و برکت‌های آن پیش‌تر، در نمازِ صبح (שחרית, Shacharis)، خوانده شده‌اند. اما در نمازِ شامگاه (مערב, Maariv) باید پیش از نماز، قرائتِ شِماع و برکت‌های آن را دوباره از آغاز گفت.)

וזהו ענין נעוץ תחלתן בסופן והמ"י [והמשכיל יבין] (וע' במ"א ע"פ ולשרקה בני אתונו דמשמע דשור"ק שהוא הודאה הוא למטה מסגו"ל שהוא בחי' אהוי"ר [אהבה ויראה] כו'.

و این همان معنای «آغازشان در پایانشان تعبیه شده است» است، و آن‌که اهلِ فهم باشد درمی‌یابد. (و نیز بنگرید به جای دیگر، دربارهٔ «و به تاکِ برگزیده (שרקה, soreikah)، کره‌الاعش»، که از آن برمی‌آید شوروق (שור"ק, shuruk)، که نمازِ اذعان است، از سیگول (סגו"ל, segol)، که مرتبهٔ عشق و هیبت است، پایین‌تر است و غیره.)

וזהו לכאורה הפך ממ"ש כאן דיהודה שהוא הודאה הוא למעלה מראובן שמעון ולוי שהם סגו"ל. ובאמת לק"מ [לא קשה מיד] דהודאה היא למטה מאהוי"ר [מאהבה ויראה] אבל הודאה דיהודה זהו בחי' בטול שלמעלה מאהוי"ר [מאהבה ויראה] וזה בחי' דוד אם לא שויתי ודוממתי

و این در نگاه نخست، خلاف آن چیزی است که اینجا گفته شده: یهودا، که همان اذعان است، از رؤون، شیمعون و لاوی، که همان سیگول اند، بالاتر است. اما درحقیقت، هیچ اشکالی در کار نیست: اذعان از عشق و هیبت پایین تر است، ولی اذعان یهودا مرتبه خودنفری‌گری‌ای است که از عشق و هیبت بالاتر است. و این مرتبه داوود (دוד، David) است: «بهراستی [جانم را] آرام و خاموش کرده‌ام.»

وكم"ש ואחר האש קול דממה דקה הרי שהדממה והביטול הוא למעלה מהאש שהיא אהבה כי תמן קאתי מלכא אבל גבי אש כתיב לא באש הוי"ה אלא שהאש הוא להוי"ה כמ"ש במ"א.

چنان‌که نوشته شده است: «و پس از آتش، صدایی آرام و لطیف». پس خاموشی و خودنفری‌گری (بیتول، بیטול، bittul) از آتش برترند؛ آتشی که عشق است، زیرا «آنجاست که پادشاه می‌آید». اما درباره آتش نوشته شده است: «ה' در آتش نیست»؛ بلکه آتش برای ה' است، چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

ועוד דזהו שאמר כאן יהודה אתה שיהיה יהודה בבחי' אתה דהיינו בבחי' גילוי כו' ולפעמים אינו בגילוי כ"א רק בהעלם ואז היא הודאה שלמטה מאהוי"ר [מאהבה ויראה]. אבל כשההודאה בבחי' גילוי זהו בחי' ביטול ממש):

افزون بر این، همین است مراد آنچه اینجا گفته می‌شود: «یهودا (یهודה)، تو»: یعنی یهودا در حالت «تو» باشد، یعنی در مرتبه آشکارگی و مانند آن. گاهی این آشکار نیست، بلکه تنها پنهان است؛ و آن‌گاه این اذعان، مرتبه‌ای فروتر از عشق و هیبت (אהבה ویرאה، ahavah veyirah) است. اما هنگامی که اذعان در مرتبه آشکارگی باشد، این همان مرتبه خودنفری‌گری حقیقی است.

13 והנה עי"ז ידך בעורף אויביך. אויביך הם עניני העולם וצרכי הגוף הגשמי. הגם שאדם צריך להם מ"מ צריכין להיות בבחי' עורף ולא פנים

اکنون، از این راه: «دستت [باشد] بر قفای دشمنانت». «دشمنانت» همان امور جهان و نیازهای بدن جسمانی‌اند؛ هرچند انسان به آن‌ها نیاز دارد، بااین‌همه باید در مرتبه قفا باشند، نه روی.

(בחי' פנים היינו שעושה הדבר בלב ונפש ובחי' עורף היינו בחי' אחוריים כמאן דשדי בתר כתפי' [כתפיה] בע"כ [בעל כרחך] וכאלו כפאו וכו').

(مرتبه روی یعنی کاری را با دل و جان انجام دهد، و مرتبه قفا یعنی جنبه پشت؛ مانند کسی که چیزی را برخلاف میلش پشت شانه اش می اندازد، و گویی مجبورش کرده اند، و الی آخر.)

וידך הוא בעורף אויבך א"ת [אל תקרי] ידך אלא יודי"ך והוא בחי' ידך ממש כי ימינך פשוטה לקבל שבים

و «دست» بر قفای دشمنان است: واژه «دست» (ידך, yadcha) را چنین نخوان، بلکه «یوهای تو» (یודי"ך, yudecha؛ یعنی حروف یود تو) بخوان. این همان مرتبه «دست تو» است، زیرا «دست راست برای پذیرفتن بازگشت کنندگان گشوده است».

הוא בחי' ימין וחסד שנתפשט למטה מטה וכענין וירא ישראל את הید הגדולה אשר עשה ה' במצרים
این مرتبه راست و مهر (חסד, Chesed) است که تا پایین ترین مرتبه ها گسترش یافته؛ و مانند این معناست که «اسرائیل آن دست بزرگ را دید که ه' در مصر پدید آورده بود».

כי הגה הירידה הגדולה הזאת שהוא בבחי' אחוריים וכאלו כפאו. מי גרם להמשיך את האדם להיות מוכרח לזה ודאי מאת ה' ומידו היתה זאת כדי לאתהפכא חשוכא לנהורא שיתפלל בכח האכילה וכו' וכיוצא בזה

زیرا بنگر که این نزول عظیم، که در مرتبه پشت است و «گویی مجبورش کرده اند»؛ چه کسی سبب شد که انسان به این کشانده شود و ناگزیر آن گردد؟ بی تردید، این از جانب ه' و از دست او بود، تا تاریکی به نور دگرگون شود؛ یعنی انسان با نیرویی که از خوردن به دست می آورد دعا کند، و مانند این.

רק שצריך שלא יומשך בבחי' פנימיות אלא בבחי' עורף ובחינת עורף זה יוכלל בבחי' ידך יודי"ך.
تنها باید مراقب باشد که به بُعد درونی (پنیمיות, pnimiyus) کشیده نشود، بلکه در مرتبه قفا بماند؛ و این مرتبه قفا در مرتبه «دست»، یعنی یודי"ך، گنجانده خواهد شد.

14 והוא בחי' ידך של יהודה כו' לפי שהוא בחי' הודאה וביטול בבחי' סוכ"ע השוה ומשוה כו' גם חשך לא

יחשיך וכחשיכה כאורה גשמיות ורוחניות שוין

و این مرتبه «دست تو» ی یهودا (יהודה) است و غیره؛ زیرا این مرتبه، اقرار و خودنهی گری (بیטול, bittul) در سطح نوری است که همه عوالم را فرا می گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)؛ [نوری که] «برابر است و همه را برابر می سازد» و غیره: «حتی تاریکی نیز تاریک نمی کند» و «تاریکی همچون روشنائی است»؛ جسمانی و روحانی برابرند.

שהרי כולם בחי' [בחכמה] עשית שהחכמה היא עשיה גשמיות וא"כ גם האכילה ושאר ענינים הגשמיים

הם לפניו ית' כמו רוחניות של חכמה מאחר שגם החכמה היא גשמיות וכו'.

زیرا، بنگرید، «همه را با حکمت (Chochmah, حכמה) ساختی»؛ یعنی Chochmah «ساختن» (عשיה, asiyah)، یعنی جسمانیت است. پس خوردن و دیگر امور جسمانی نیز در پیشگاه ه'، متبارک باد، همچون روحانیت Chochmah هستند؛ زیرا Chochmah نیز جسمانیت است و غیره.

וזאת היא מעלת יהודה אתה היינו בחי' הודאה בגילוי שבתפלה שתהי' [שתהיה] ידך בעورף אויבך

בשעה שעוסק בעورף אויבך

و این فضیلت «یهودا، تو» است؛ یعنی مرتبه اقرار آشکار در دعا: اینکه «دست تو» بر «پس گردن دشمنانت» باشد، هنگامی که او سرگرم «پس گردن دشمنانت» است،

ואזי חולפת ועוברת ממנו האהבה מ"מ נשאר רשימו וכו' אך היינו דוקא בבחי' עורף ולא פנים:

و آنگاه، [با آنکه] عشق از او می گذرد و رخت برمی بندد، با این همه اثری باقی مانده (רשימו, reshimu) از آن می ماند و غیره. اما این فقط در مرتبه پس گردن است، نه چهره.

15 אך عיקر הגורם לכל מעלת בחי' זו להיות יהודה אתה והגורם להיות יודוך אחיך ע"ז נאמר ישתחוو לך

בני אביך

اما علت اصلی تمام فضیلت این مرتبه/جنبه (בחינה, bechinah) – اینکه «یهودا (יהודה)، تو» تحقق یابد – و نیز علت اینکه «برادرانت به تو اقرار کنند»، این است که درباره آن گفته شده: «پسران پدرت در برابر تو سر فرود خواهند آورد.»

**כי הנה ההשתחוואה הוא בחי' המשכה וזהו ענין ההשתחוואו' [ההשתחוואות] שבשמ"ע [שבשמונה עשרה] שהן
הן המשכות (ע' [עיינ] ר"פ וישב והנה השמש וכו' משתחוי' [משתחוי' לי])**

זیرا سر فرود آوردن، בחינה فرودآوردن است؛ و این است معنای سر فرود آوردن‌ها در دعای هجده‌گانه (שמונה עשרה, Shemoneh Esreh)، که خود همان فرودآوردن‌ها هستند (نگاه کنید به آغاز پاراشאי ואישו (וישב, Vayeshev)، [درباره] «و اینک خورشید...» و غیره، «برای من سر فرود می‌آوردند»).

**ובחי' אביך היינו בחי' כרחם אב על בנים אבינו אב הרחמן שהרחמנות הוא בחי' אב ותולדות הרחמנות
הוא בחי' צדקה וחסד להחיו' רוח שפלים שכל העושה חסד במדה"ר [במדות הרחמים] לרחם על עניים
ויתומים ה"ז [הרי זה] בבחי' בני אביך.**

و בחינה «پدرت» همان «همان‌گونه که پدری بر فرزندان [خود] شفقت می‌کند» و «پدر ما، پدرِ رحمت‌ها» است؛ زیرا شفقت،
بחינה پدر است و زادگان شفقت، בחינה صدقه و مهرورزی‌اند، تا جانِ فرودستان را زنده سازند. پس هرکس با صفتِ شفقت به
فقیران و یتیمان رحم کند و به آنان احسان ورزد، در בחינה «پسرانِ پدرت» است.

**גם בחי' אביך היא התורה דאורייתא מחכמה נפקת שהוא בחי' אב וכמ"ש שמע בני מוסר אביך זו
תושב"כ [תורה שבכתב] וכו' ובני אביך הם העוסקים בתורה**

همچنین، בחינה «پدرت» همان تورات است؛ زیرا «تورات از حکمت (חכמה, Chochmah) سرچشمه می‌گیرد»، و حکمت
بחינה پدر است؛ چنان‌که نوشته شده است: «ای پسر، پدرت را بشنو» – این همان توراتِ مکتوب است، و غیره. و «پسرانِ
پدرت» کسانی‌اند که خود را به تورات مشغول می‌دارند.

وזהו וישתחו' לך בני אביך שבני אביך הם העוסקים בתורה ובגמ"ח [ובגמילות חסדים] הם הם ישתחו' לך
و این است معنای «و پسرانِ پدرت در برابر تو سر فرود خواهند آورد»: زیرا «پسرانِ پدرت» – کسانی که خود را به تورات و
اعمالِ مهرورزی مشغول می‌دارند – همان کسانی‌اند که «در برابر تو سر فرود خواهند آورد».

**וימשיכו אותך להיות נעוץ תחב"ס [תחלתן בסופן] שהתורה והגמ"ח [והגמילות חסדים] הם הנותנים כח בנפש
לעורר את האוי"ר [האהבה ויראה] עד שתהי' [שתהיה] בחי' הודאה וביטול וע"י כן יודוך אחיך להיות יהודה
אתה כנ"ל:**

و تو را فرود می‌آورند تا «آغازشان در پایانشان فرو نهاده شده باشد»؛ زیرا تورات و اعمالِ مهرورزی‌اند که به نفس نیرو
می‌دهند تا عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah) را برانگیزد، تا آن‌گاه که בחינה اقرار و بیטול پدید آید؛ و از این
راه «برادرانت به تو اقرار کنند» و «یهودا، تو» تحقق یابد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayechi/1/](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayechi/1/)

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک